



۲۰۱۹/۰۸/۱۹

محمد داؤد مومند

عریضی خدمت کاکاجان گرامی، شاغلی جمیلی

کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی!

کاش میتوانستم عریض خود را خدمت آن ریش سفید محترم از طریق وبسایت افغان جرمن به عرض میرساندم، ولی متأسفانه شورای انقلابی آن وبسایت توسط فرمان نمبر یک خود اعلام داشته اند که بعد از این محمد داؤد مومند حق نخواهد داشت که مضامین خود را در افغان جرمن بدست نشر بسپارد و موصوف باید برای نشر مضامین خود به یک وبسایت دیگر مراجعه نماید.

در حقیقت افغان جرمن حتا حق دفاع مشروع را به من قایل نیست، ولی اتهامات علیه این جانب «مانند اتهامات شما» را با کمال افتخار بدست نشر میسپارند، لذا از مجریان محترم وزین وبسایت آریانا متشکرم که فرصت و اجازه نشر نظریات و حق دفاع مشروع را در مورد این جانب تضمین مینمایند.

کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی!

من از دیا لوگ تان با محترم داکتر صاحب غروال دریافتم که جناب شما در یک نوشته قبلی تان عنوانی پروفیسر توریال، مرا بطور نمونه انگشت نما ساخته ولی هدف انتقاد تان، تعجیز و تذلیل پشتون تباران سرحد و قبایل و ماورای خط استعماری دیورند است، که یقیناً سخت به دل ستم شعاران کشور و شورای نظار و جمعیت، پرچم چنگ میزند.

کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی!

جناب تان به ارتباط پسمانی کشور که مورد تمسخر مطبوعات ایران قرار گرفته بود، تمسک به یک نوشته مبتذل و خصمانه ایشان نموده تحریر داشته اید:

« در مطبوعات ایران به شکل تمسخر سؤالی را مطرح کرده بودند که: کشوری را نام ببرید که یک خدا، یک پادشاه، یک سینما (منظور از سینما کابل است، توضیح خود جناب شما) دارد.

کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی!

متأسفم که جناب شما برای موجه ساختن ادعای خود به نشریات مغرضانه و خصمانه و در عین حال کاملاً مبتذل کشوری پناه برده و آن را به مثابه برهان قاطع منطق خود، مورد تمسک قرار داده اید، که دشمنی و خصومت و حسادت و کژ اندیشی این کشور در شکنج قرون و اعصار گوناگون و از مننه ای نا همگون با افغانستان ثبت اوراق تاریخ منطقه است.

شما میدانید که ایران و مزدوران زنجیری شان در و طن مانند روان فرهادی، سید مخدوم رهین معروف به لعین، داکتر جاوید، غلام حضرت کوشان و پیروان شورای نظار و جمعیت ستم پرچم اصلا به موجودیت افغانستان تاریخی اعتقاد نداشته و افغانستان را جزء لاینفک خاک ایران و تاریخ ما را جزء تاریخ ایران میدانند.

آیا ممکن است به همچو ادعا ها و نشرات مغرضانه ایران نیز استناد نمود؟

کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی! مگر این جای شرم و خجالت است که مردم دیانت شعار افغانستان به پیروی از ارشادات ام الکتاب یعنی قرآن معظم به یگانه خدای واحد و لا شریک اعتقاد دارند، نه به خدایان متعدد؟ اگر شیعه های ایرانی دوازده امام خود و صاحبان ولایت فقیه را مانند بت پرستان دوره قبل از اسلام به مثابه چندین خدا پرستش میکنند، ما با آن کاری نداریم و به قول معروف مردم ما: عیسی به دین خود، موسی به دین خود. ملت مسلمان افغان یک خدا دارد، یک کتاب و یک پیامبر.

آیا در نظر شما این پیغور و تمسخر ایرانیان مبنی بر یکتا پرستی ملت افغان یک عمل ضد اسلامی نیست که جناب شما آن را به عنوان یک دلیل در نوشته خود تذکر داده اید؟

هم چنان جای سعادت است که در آن فرصت، ما یک پادشاه مسلمان و مؤمن به معتقدات اسلامی داشتیم که عبارت بود از زعیم عدالت گستر کشور، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، که مانند شاه ایران توسط گارد امریکایی محافظت نمیشد، زیرا شاه ایران بر مردم خود اعتماد نداشت و پادشاه محبوب القلوب ملت افغان صرف با یک جیب به سواری صرف چهار نفر گارد سلطنتی افغان به سراسر کشور بدون کوچکترین ترس و هراس دغدغه خاطر، مسافرت مینمود، باری هم بدون کدام پلان قبلی و به صورت ناگهانی، افتخار بس عظیم اعطاء نموده به لاپور مسقط الرأس این جانب تشریف آوردند و مهمان پسر اکبر خان لالپوری شدند و قبل از عودت یک تفنگچه را به عنوان بخشش به پسر اکبر خان اعطاء نمودند.

هم چنان بخاطر دارم که پادشاه عدالت شعار و با خدای ما، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نورالله مرقده امر فرمودند که در خطبه های ایام جمعه کنار اسم مبارک شان کلمه بنده خدا علاوه گردد و به زیارت فریضه بیت الله مشرف گردید، برعکس شاه ایران به معتقدات اسلامی چندان اعتقاد نداشت و او هرگز به این فریضه اسلامی لبیک نگفت. مردم ما و ملت ما با داشتن همچو پادشاه که از رعایای ملت فاصله نداشت افتخار میکردند اگر ایرانیان بداشتن یک شاهی که گوداکی حکومت امریکا بود و از ملت و رعیت خود فاصله داشت، افتخار میکنند مبارک شان باشد.

اگر ما در کشور خود چندین سینما نداشتیم، و کشور ما در اثر معاهدات استعماری غرب به یک کشور محاط به خشکه و فقیر مبدل گشت، ولی ملت فقیر ما اولین کشوری بود که به قوت ایمان، قدرت بزرگ استکباری و استعماری انگلیس را درین خطه به زانو در آورد، که یک افتخار بزرگ تاریخی است برای ملت افغان که مردم ایران از آن محروم است. آیا به نظر جناب شما کدام افتخار مرجه تر است، داشتن سینما های متعدد و یا شکستن کمر دولت استعمار و یا کسب استقلال؟

همچنان جناب شما بیک نوشته اهانت آمیز دایرئ المعارف اضلاع متحده نیز استناد ورزیده اید که کشور ما را وحشی قلمداد نموده بودند. شاید فراموش کرده باشید که نیکسن نیز مردم را مورد اهانت قرار داد.

مگر همین قدرت های غربی نبودند که به مساعدت ایادی خود نهضت بزرگ ترقیخواهانه غازی امان الله را با خاک یکسان ساخت؟ ورنه با دوام دولت امانی و نهضت ترقی خواهانه او امروز، کشور ما یک مدل برای تمام کشور های اسلامی و منطقه میبود.

مگر چنین نیست کاکا جان گرامی شاغلی جمیلی؟

شاید جناب شما به حیث یک مامور کهنه کار وزارت خارجه فراموش کرده باشید که دولت اضلاع متحده نه بار پیشنهاد حکومت افغانستان را مبتی بر تعاون اقتصادی و نظامی رد نموده آن را مشروط به عضویت یعنی قبول غلامی سیاسی کشور ما در پکت نظامی شان ساخت؟

مطبوعات غرب هم چنان سردار صاحب تان را به نام «شهزاده سرخ» خطاب کرد، که در تاریخ جهان هیچ عضو خاندان سلطنتی به این نام مسما نگشته بود و نگشته است. آیا جناب تان در قسمت همچو تبلیغات غرب چه عکس العمل نشان می دهید و تا کدام حد آن را بی آلايشانه قلمداد میفرمایید؟

برای شما به حیث یک آدم جهان دیده و مامور وزارت خارجه لازم است که به دهل و سرنای تبلیغات سوء کشور هایی که با دین و اسلامیت و کلتور و احساس آزادی خواهی مردم ما پالیسی خصمانه دارند نه رقصیده بر عکس خود را با نظریات دانشمندانی آشنا ساخته که عاشق و دل داده مردم، تاریخ و سرزمین ماست، مفکر بزرگ مشرق زمین علامه داکتر اقبال که میفرماید:

آسیا یک پیکر آب و گل است
ملت افغان در ان پیکر دل است
از فساد او فساد آسیا
وز کشاد او کشاد آسیا

آیا توجه نموده اید که چرا علامه داکتر اقبال راجع به کشور ایران که ذخایر بزرگ نفتی و سینما های بی پایان دارد، چنین چیزی نگفت و افغانستان فقیر و دارای یک سینما را سزوار همچو حرمت دانست؟
کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی!

جناب شما ذیلاً مطالبی را رقم فرموده اید که با حقایق مسلم در قطب مخالف قرار دارد. جناب تان نگاشته اید:
" اما امروز افرادی چون داود جان مومند شاگرد لیسسه قبایلی خوشحال خان و یا رحمان بابا که (ما) عده آن ها را گوساله دو مادریه میگوییم که در طول دراز من تاریخ معاصر سر شان در کابل و پای شان در ملتان بود امروز در مورد بزرگترین صادق ترین و وطن دوست ترین شخصیت سیاسی این سرزمین ما ابراز نظر خصمانه میکنند.
این داود جان مهمند خواهر زاده مرحوم حسن خان مومند رییس قبایل مومند و جیره خور ریاست قبایل بوده که صدیق جان پسرش بورس امریکا برایش داده شد که داود جان مومند هم از این حاتم بخشی مستفید گردید. ختم."
کاکا جان گرامی، شاغلی جمیلی! طوریکه قبلاً معروض داشتیم، ادعا ها و معلومات حضرت عالی در مواردی که مدعی شده اید، بر مدارک و اسناد جعلی و بی پایه و تهداب ریگی استوار است که آن را دور از یک شخصیت صادق و راستکار و ریش سفیدی مانند شما میدانم.

یک: من شاگرد لیسو خوشحال بابا و رحمن بابا که جناب شما به شیوه اهانت آمیز و از روی طعنه، آن را لیسو های قبایلی تذکر میدید نبوده ام. آشنایی من در لیسو حبیبیه نخست با سردار تیمور جان، پسر بی بی سلطانه خواهر پادشاه افغانستان که مرا پسر خوانده بود، آغاز شد، و توسط او با شهزاده شاه محمود، ویس، پسر داود خان، شهزاده داود، و هم چنان پسر سردار تیمور شاه که اسمش فراموش شده آغاز شد. و در همان زمان بود که از طریق ویس، باب مکاتبه را با شخص سردار صاحب بزرگ آغاز نمودم.

ولی اگر از لیسو خوشحال بابای کبیر، داهی بزرگ ملت افغان و یا رحمان بابا نیز فارغ میشدم به آن افتخار می کردم. این دو لیسو، خار چشم ستمی ها و دشمنان مادر زاد پشتون تباران کشور بود و به همین لحاظ علی احمد خان پوپل را که مشوق بزرگ این لیسو ها بود، در مظاهرات فاشیست خطاب میکردند.

دو: ادعا نموده اید که من خواهر زاده حاجی حسن خان مومند میباشم، این ادعای شما عاری از حقیقت است.

غالباً متکی بر معلومات ناقص و بی پایه تان که بیشتر شکل پروپاگندی دارد مرا پسر مرحوم میر عبدالعزیز خان که عمری به حیث رییس ضبط احوالات (شکل درست آن احوال است) و والی در دستگاه حکومت ایفاء وظیفه نموده، تصور فرموده اید.

زوجه اول والی صاحب مرحوم، همشیره حاجی صاحب حسن خان مومند بود که از آن دو فرزند به نام حمید جان و رشید جان دارد، و این دو فرزند خواهر زاده های حاجی صاحب حسن خان مومند میباشند. لطفاً در ادعای تان یک کمی دقیق بوده از افترا اجتناب ورزید که زبیده شخصیتی مانند شما نیست.

سه: ادعا نموده اید که حاجی حسن خان مومند جیره خور ریاست قبایل بوده است. این ادعای شما نیز کاملاً دور از واقعیت است. نخست حاجی عالیجاه حسن خان مومند در منطقه قبایلی زندگانی نداشت، مسقط الراس او ولسوالی کامه ولایت ننگرهار بود که امروز از شهر جلال آباد کمتر از نیم ساعت فاصله دارد.

پدر عالیجاه حاجی حسن خان مومند، سردار خان نام داشت که مانند اکبر خان لالپوری از اعتبار بزرگ قومی و هم چنان اعتبار دربار امیر عبدالرحمن خان برخوردار بود. امیر عبدالرحمن خان طی فرمانی سردار خان را اجازه داد تا مالیات دره خیبر را در اختیار داشته باشد و بدین وسیله خواست سردار خان را در متابعت خود داشته باشد.

عالیجاه حاجی صاحب حسن خان و حاجی صاحب یوسف خان ثروت و سرمایه بیشتر از بودجه ریاست قبایل داشتند و ایشان احتیاجی به خیرات ریاست قبایل طوریکه جناب شما تصور میکنید نداشتند.

امیر عبدالرحمن خان، به هر دو خوانین بزرگ قوم مومند یعنی اکبر خان لالپوری و سردار خان تحف و هدایای شاهانه میفرستاد. زین خان مومند جد اکبر خان لالپوری در وقت لوی احمد شاه بابا، والی ایالت سند بود.

جناب شما بی اطلاع هستید که عالیجاه حاجی حسن خان و حاجی یوسف خان مومند از حامیان غازی امان الله بودند، به همین دلیل در دوره سردار هاشم خان نیز نظر دستگیری شان در دربار مطرح گردید ولی در حدود هژده هزار نفر مسلح از قوم مومند در حمایت این بزرگان قوم از منطقه مومند آزاد سرازیر شدند و حکومت سردار هاشم مجبور به عقب نشینی شد، مرحوم نادر خان پسر حاجی صاحب یوسف خان مومند که یک ستاره بزرگ قوم مومند بود، مهماندار این هژده هزار نفر مسلح بود. آیا فکر میکنید این هژده هزار نفر نیز از جیره ریاست قبایل تغذیه گردید؟

بعداً حکومت سردار هاشم خان از پالیسی زور عقب نشینی نموده و از پالیسی دوستی و مدارا کار گرفت و در برابر، خود حاجی صاحب حسن خان و فامیلش موافقت نمودند که در شهر کابل مقیم گردیدند، ولی برادر کهنتر شان حاجی

صاحب یوسف خان و پسر نامدارش نادر خان، نظر به نداشتن اعتماد به دستگاه حکومت، مصلحت دیدند که در منطقه خود امرار حیات نمایند. ادعاهای تان در مورد این بزرگترین و متنفذترین سران قوم مومند، کاملاً نادرست و دور از حقیقت بوده جنبه افسانه و پروپاگند را دارد.

ادعا نموده اید که به صدیق جان مومند بورس امریکا داده شد که داود جان مومند هم از این حاتم بخشی ها مستفید گردید. بخاطر دارم دو سال قبل جنابان از شخصیت لالایم صدیق خان مومند که یک ماه قبل رحلت نمودند بسیار به نیکی یاد آوری نمودید، ولی این بار نظر به احساسات ضد قبایلی، هردوی ما را وارث حاتم بخشی های حکومت قلمداد نموده اید. در قسمت مرحوم صدیق خان مومند این حاتم بخشی نبوده بلکه ممکن یک رشوت سیاسی از طرف شخص صدراعظم صاحب کبیر سردار محمد هاشم خان بوده باشد.

اما در مورد خود باید عرض کنم که در دوره کودتای سردار صاحب، ایران پرست و ستمی بزرگ سید مخدوم رهین (لعین) نظر به نفوذ درباری و ارتباط بسیار نزدیکی که با بچه خوانده سردار صاحب یعنی سید عبدالاله داشت بورس استحقاقی آسترالیای مرا که مختص به مامورین پوهنتون بود به غارت برد، چنانکه معاون علمی پوهنتون در برابر اعتراض جوابی نداشت.

کاکا جان گرامی شاعلی جمیلی!

ممکن این افسانه ها را جناب تان در کدام خواب پریشان دیده و بعد از بیداری، آن را در کدام کتابچه تان نوت نموده و از آن به حیث یک مأخذ خود استفاده می نمایید، و یا به عبارت دیگر دست به افسانه میزنید! جای تعجب است که جناب شما به حیث یک شخص بسیار معمر و جهان دیده و مامور وزارت خارجه به همچو افسانه های خلاف حقیقت پناه می برید.

فراموش کرده اید که عالیجاه محمد حسن خان مومند در دوره صدارت سردار تان، با تمام اعضای خانواده بزرگ به شمول میرمن ها و اطفال، صرف روی یک انگیزه و اتهام سرداری بدون محاکمه و عدالت شریعت غرای محمدی، دستگیر و به باستیل بس مخوف دهمزنگ فرستاده شدند.

در ساعات و ممکن یکی دو روز اول، اعضای فامیل اجازه رفع ضرورت و رفتن به تشناب را نداشتند و آن بزرگان قوم مجبور شدند، در حضور و برابر چشمان، شصت یا هفتاد نفر از اعضای فامیل به رفع ضرورت بپردازند. یکی از اعضای محترم و معمر این خاندان جناب پیر محمد خان لالا که مدت ده سال در باستیل دهمزنگ سپری نموده، تا هنوز شکر در قید حیات هستند و شاهد مدعای فوق الذکر است.

شاعلی جمیلی خدا را حاضر و ناظر دانسته همچو عمل ظالمانه ضد کرامت انسانی و شریعت غرای محمدی، سردار تان را چگونه ارزیابی نموده قضاوت میکنید؟ آیا زندانی ساختن تمام اعضای خانواده عالی تبار خوانین و مشران بزرگ قوم مومند، برای مدت ده سال بدون محاکمه یک عمل ضد بشری نبود؟

شاعلی جمیلی! جناب تان به پیروی از پیروان شورای نظار و جمعیت ستم و پرچم چنین در افشانی فرموده اید:

" شما با این همه امتیازاتی که از افغانستان به نام قبایل بدست آورده اید به افغانستان عزیز ما چه کرده اید؟" من از نوشته فوق الذکر شما، یک احساس ضد پشتونی، مخصوصاً ضد پشتون تباران اقوام سرحدی، ضد اقوام قبایلی و ضد ساکنین پشتون تبار ماورای خط استعاری دیورند احساس میکنم زیرا جناب شما به پیروی از پیروان شورای

نظار، افغانستان عزیز را تنها به خود مختص نموده اید زیرا به صراحت مینویسید که «افغانستان عزیز ما» یعنی پشتون های سرحدی و قبایل را از افغانستان و عضویت جامعه و مردم افغانستان جدا ساخته اید. آیا منظور از کلمه «ما» وطن داران تاجک تبار کابلی تان است و یا کسان دیگری که هویت آنان بر من پوشیده است. باور دارم که تاجک تباران اصیل کشور و مخصوصاً کابل به همچو مدعیات ضد پشتونی شورای نظاری موافقت نخواهند داشت.

لطفاً به این جمله تان دقت کنید: "با این همه امتیازاتی که از افغانستان به نام قبایل.. یعنی پشتون تباران قبایل و سرحد، اولاده لوی احمد شاه بابا نیست و ممکن به زعم جناب عالی اولاده محمد علی جناح بوده و پاکستانی باشند. این سرود و شعار قومی ضد پشتونی شورای نظار و جمعیت، ستم، پرچم است و بس. جناب حضرت عالی فراموش کرده اند که همین پشتون تباران سرحدی و قبایل و ماورای خط استعماری دیورند از قوم مومند گرفته تا شرزه شیران وزیرستان و اقوام منگلی و خدران و خائی و غیره بودند که کمر غازی محمد نادر خان قهرمان بزرگ نجات افغانستان را بسته و ناموس شما کابلیان با غیرت را از شر کرنیلان و جرنیلان خود مختار بی ناموس سقوی نجات دادند. طوریکه ملاحظه میگردد، متأسفانه آن روز بد حیات تان، از یاد تان رفته است.

چی تیر شی، هغه هیر شی

شاغلی جمیلی! در گذشته ها ما پشتون تباران را در محیط کابل به نام «افغان غول» اهانت میکردند، ولی حد اقل ما را پاکستانی نمی گفتند و لی امروز ذوات بسیار محترمی مانند جناب شما ما را غیر افغان دانسته متهم میسازید که ما بودجه حکومتی ریاست قبایل را به یغما بردیم و کشور را به افلاس مواجه ساخته ایم. فراموش نموده اید که سردار کبیر تان داود خان، نه تنها صدراعظم افغانستان بلکه صدر اعظم پشتونستان نیز بود و پشتونستان حیثیت ستون فقرات سیاست داخلی و خارجی داود خان را تشکیل میداد که به شدت از طرف کرملن حمایت میشد. در فرجامین سخن، گرچه آرزو نداشتیم در مورد پدر مرحوم خود مطلبی علاوه نمایم ولی چون جناب شما مرا یک آدم قبایلی و جیره خور و میراث خور بودجه حاتم بخشی های ریاست قبایل سردار تان، داود خان که صدراعظم قبایل نیز بود، قلمداد فرموده اید، ایجازاً در زمینه ذکری به عمل میآورم.

پدر مرحوم از دوره غازی امان الله وکیل مشوره بود، موصوف در دوره سردار هاشم خان و دوره شاه محمود خان غازی تا به اوایل دوره صدارت داود خان عمری به حیث مامور دولت خدمت نموده که مخصوصاً در قطغن زمین، نام پر افتخاری برای خود کمایی کرده است.

یکی از خدمات بزرگ دوره مأموریت او حفر نهر دشت ارچی بود که خودش نیز در حفر آن کار میکرد و بالغ بر سی هزار جریب زمین تحت آبیاری قرار گرفت و آن دشت به یک ولسوالی مبدل گشت و هزاران نفر صاحب خانه و زمین گردید.

تپه ای که پدرم در دشت ارچی روی آن در جریان کار چندین ماهه، خیمه زده بود تا هنوز هم به نام پدر مرحوم یاد میشود. تمام پولی که از کیسه دولت درین پروژه مصرف گردید، بیست و پنج هزار افغانی بود، که همچو مصرف کوچک در تاریخ پروژه های کشور سابقه ندارد.

در آن زمان ما در تالقان زندگانی داشتیم، پدر مرحوم تا اكمال پروژه نهر ارچی، به آغوش فامیل به تالقان برنگشت و موصوف ماها را در حفر آن پروژه سپری نمود.

باری هم پدرم یک داره بزرگ دزدان را از تالقان تا مزار که در حیطه یک ولایت دیگر قرار داشت، تعقیب و دستگیر نمود که همچو کار نیز در تاریخ کشور بی سابقه بود. در نتیجه این خدمات، پدرم به گرفتن نشان مطلای خدمت و هم چنان ساعت مطلای «اومیگا» از طرف اعلیحضرت محمد ظاهر پادشاه افغانستان نایل آمد. در عقب ساعت نوشته شده که از حضور اعلیحضرت همایونی به حکمران تالقان. این ساعت اکنون به حیث ودیعت بزرگ تاریخی در ید پسرم قرار دارد.

هم چنان ناگفته نماند که سپه سالار صاحب شاه محمود خان غاری که حیثیت پدر معنوی را برای من و برادرم داشت، ساعت مطلای «موادو» و یک تفنگچه پولیس امریکا را به پدرم بخشید.

کاکا جان گرامی شاغلی جمیلی! ممکن جناب تان از طریق ترجمانی و وظایف محوله در ریاست تشریفات وزارت خارجه مصدر خدمتی شده باشید، ولی فکر نکنید که پشتون تباران کشور، قبایلی و به زعم جناب شما مفتخور و گدای ریاست قبایل بودند.

کاکا جان گرامی، لطفاً به عوض اتکا به نوشته های ایرانیان مغرض و بدبین کشور ما، که اصلاً خاک ما را جزء خاک خود میدانند به نوشته های دانشمندان حق بین و بزرگ مانند علامه داکتر اقبال مراجعه و به آن استناد نمایید که وجیبه یک عنصر وطن دوست است.

علامه داکتر اقبال در مورد پشتون تباران قبایلی چنین ارشادی دارند:

خبر از مردان حق بیگانه نیست در ضمیرش صد هزار افسانه ایست
در فضایش جره بازان تیز چنگ لرزه بر تن از نهیب شان پلنگ
لیک از بی مرکزی آشفته روز بی نظام و نا تمام و نیم سوز

و داهی بزرگ ملت افغان خوشحال بابای کبیر میفرماید:

درست افغان له کندهاره تر اټکه

سره یو د ننگ په کار پټ او آشکار

وسلام